

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر
۲۱ دسمبر ۲۰۱۷

یاد آقای احمدزاده گرامی باد! (*)

قصه نیستم که بگوئی
نغمه نیستم که بخوانی
صدا نیستم که بشنوی
یا چیزی چنان که ببینی
یا چیزی چنان که بدانی
من دردِ مشترکم
مرا فریاد کن ...

با درود به همه عزیزانی که برای گرامی داشت یاد انسان آزادیخواه و دردمندی چون آقای "طاهر احمدزاده هروی" به مراسم یاد بود او آمده اند؛ و گرامی می دارم یاد او را که علی رغم همه دردها و رنج هائی که دو رژیم دیکتاتور شاه و جمهوری اسلامی بر وی تحمیل کردند تا آخر عمر از آزادی مردم ایران دفاع کرد و در صف خلق باقی ماند. کم نیستند انسانهای شریفی که از ته قلب درد مشترک پدران و مادرانی را درک می کنند که عزیزان و محبوبترین فرزند یا فرزندان آنان را رژیم های مدافع استثمار گران از آنها ربوده و خونشان را بر زمین ریخته اند. آقای احمدزاده نیز پدری بود که فرزندان را، هم رژیم شاه و هم رژیم جمهوری اسلامی از او گرفتند و ظالمانه با قساوت تمام به قتل رساندند. دو فرزند او ، رفقای ما مسعود و مجید احمدزاده، دو کمونیست برجسته ایران و از بنیانگذاران و رهبران چریکهای فدائی خلق بودند که توسط رژیم شاه تیرباران شدند و فرزند دیگر او ، مجتبی را دژخیمان جمهوری اسلامی کشتند.

در دوره شاه، در شرایطی که ساواک، رفقاء مسعود و مجید احمدزاده را دستگیر و مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داده بود، خود آقای طاهر احمدزاده نیز دستگیر و اسیر چنگال دژخیمان رژیم شاه شد. دست اندر کاران رژیم شاه می دانستند که آقای طاهر احمدزاده یک مبارز ضد امپریالیست بود و در نهضت ملی به رهبری دکتر مصدق برای کوتاه کردن دست انگلیس از منابع نفت ایران مبارزه کرده بود. در آن زمان نیز ساواکی ها همچون اطلاعاتی های جمهوری اسلامی حتی به سن و سال او توجه نکردند و برای این که به رابطه وی با فرزندان انقلابی پی ببرند او را به زیر شکنجه های وحشیانه خود کشیدند و بعد هم به حبس و زندان محکومش کردند. من که خود تجربه هولناک و زخمهای

عمیق ناشی از شکنجه های رژیم شاه را در جسم و روانم حمل می کنم و در جریان مبارزه شاهد مرگ های دلخراش ولی افسانه ئی نسلی از بهترین فرزندان مردم ایران و از جمله فرزندان خودم به دست جلادان حاکم بوده ام، خوب درک می کنم که آقای احمدزاده در آن لحظات سرنوشت ساز چه کشیده است؛ و می دانم که او نیز درد و زخم های زندان و داغ از دست دادن جگر گوشه گانش را با مرهم محبت و احترام و حق شناسی مردم و تسلیم نشدن در مقابل دشمن، التیام می بخشید، کما این که وی سرفرازانه زندان رژیم شاه را از سر گذراند و موقعی که درب های زندان با انقلاب توده ها گشوده شد از زندان آزاد شد.

قصد ندارم که در اینجا به همه جوانب زندگی مبارزاتی این پدر و انسان عدالتخواه و طرفدار آزادی اشاره کنم. تنها این را بگویم که مأموران رژیم جمهوری اسلامی نیز برای درهم شکستن روحیه مبارزاتی آقای احمدی زاده، او را دستگیر و مورد شکنجه های ددمنشانه خود قرار دادند. شنیدم که بازجویان و شکنجه گران رژیم حاکم، جسم این مرد استوار و محکم در پیکار آزادیخواهانه را آماج آنچنان شکنجه های ددمنشانه ای قرار داده بودند که مجبور می شدند وی را با صندلی چرخدار به اتاق بازجوئی هایشان ببرند.

من بعدها آقای احمدزاده را چند بار در پاریس ملاقات کردم و با هم همصحبت شدیم. در جریان این صحبت ها وقتی می دیدم که او علی رغم همه داغهایی که دژخیمان با کشتن فرزندانش بر دل او نهاده اند و علی رغم همه دردها و رنجهایی که به خاطر حاکمیت رژیم های ضد خلقی شاه و جمهوری اسلامی متحمل شده، همچنان اعتقادات آزادیخواهانه اش را حفظ کرده است، احترامم نسبت به او هر چه بیشتر می شد. او را می دیدم که در نبرد بین مدافعان حق و عدالت با استثمارگران و سرکوبگران مردم، جانب حق و عدالت را دارد. به همین خاطر باید بگویم که آقای احمدزاده در این مصاف بزرگ اجتماعی به شیوه ای زیست که شایسته سپاس و حق شناسی ست.

بدون شک با پیروزی نهائی مردم ما در مبارزه علیه استثمارگران و سرکوبگران، دیر یا زود روزی فرا خواهد رسید که بزرگداشت آقای طاهر احمد زاده و تمامی مبارزان صادق و راستین مردم ما به نحوی که به راستی شایسته آنان است در یک ایران آزاد و آباد و عاری از ظلم و ستم صورت خواهد گرفت. به امید آن روز!

یاد آقای طاهر احمد زاده را گرامی می دارم و برای بازماندگانش شکیبائی و امید به فردای روشن آرزومندم.

فاطمه سعیدی - مادر شایگان

دسمبر ۲۰۱۷

*- پیام مادر شایگان به مناسبت درگذشت آقای احمدزاده که در مراسم یادبود آقای احمدزاده در پاریس قرائت شد.